

جهان در بیم و امید

جنگ سرد ۱۹۴۸-۱۹۹۱

بخش نخست



◆ تهیه و تنظیم: دکتر منصور تاراچی
(سر دبیر سابق روزنامه اطلاعات)

- بحرانی ترین سالهای پس از جنگ دوم
- ده ها جنگ محلی که دنیا را در ترس وحشت فرو برد
- امریکا عامل ایجاد ترس در امریکا و جهان

به همت جمعی از مورخین
مشهور جهان

Ignacio Ramonet
Jacques Decornoy
Claude Julien
Dominique Vidal

John Berger
Wilfred Burchett
Elisabeth Chamorand
Nayan R. Chanda
Stephen Endicott
Richard Falk
Victor Fay
Bernard Féron
Danièle Ganser
Mark Gasiorowski
Paul-Marie de La Gorce
Edward Hagerman
Selig S. Harrison
Amnon Kapeliouk
René Lefort
Jean-Yves Potel

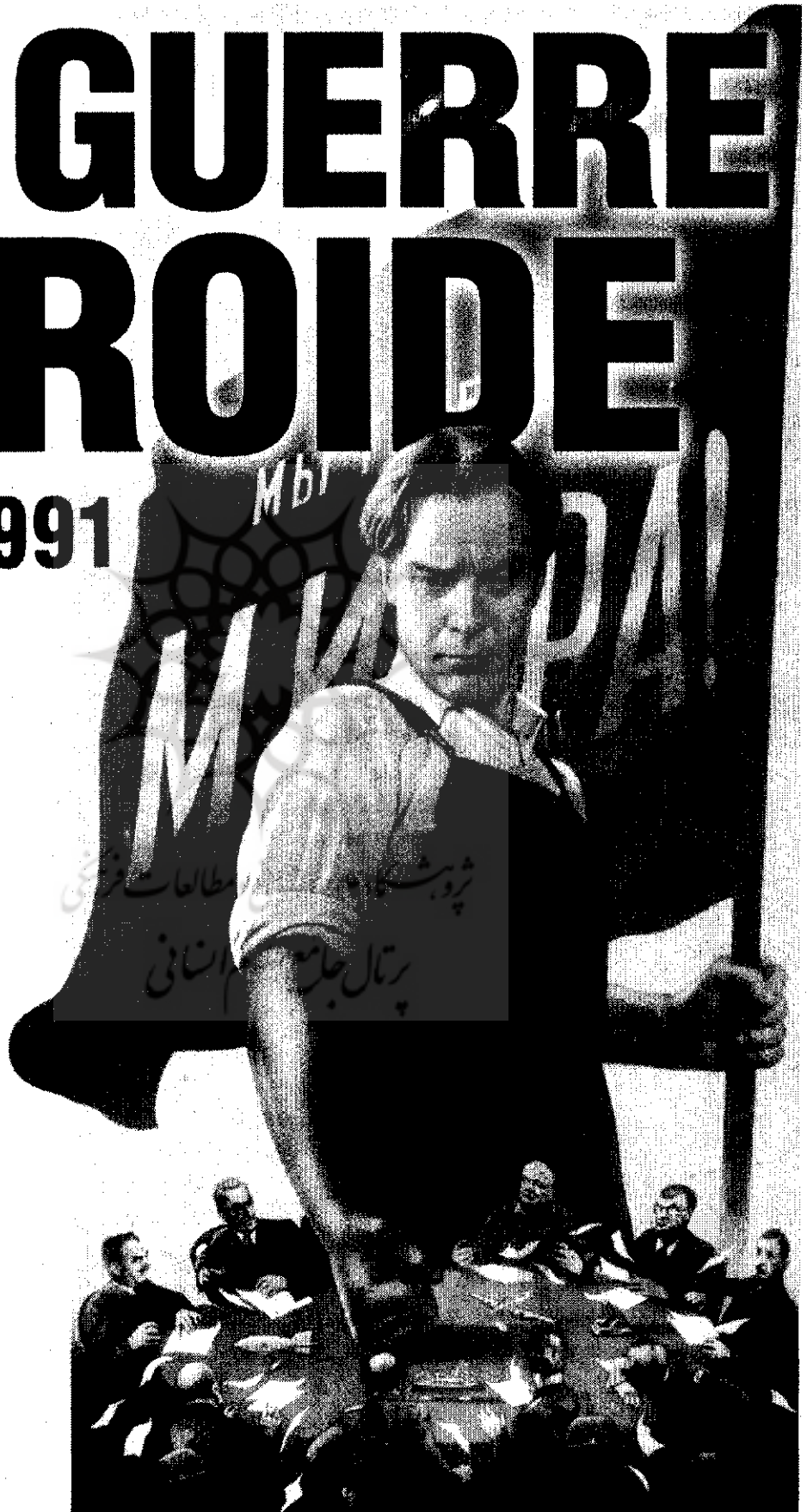
بخوانیم و دریابیم که مناسبات جهانی در دوران جنگ سرد چگونه بود. متفقین پس از پیروزی بر نازیسم از هم جدا و به بلوک غرب و شرق تبدیل شدند.
مرگ **Roseph Staline** (روزف استالین) در پنج مارس ۱۹۵۳ آوازش مورد انتظار را به همراه نداشت.

هر چند جنگ کره در سال (۱۹۵۳) و هند و چین با صلح بین فرانسه و ویتنام در سال (۱۹۴۵) خاتمه یافت. ولی مبارزه با افکار و عقاید استالین و تلاش برای نظام دموکراتیک در کشورهای اروپای شرقی تا جایی ادامه یافت که حمله شوروی به بوداپست را در سال ۱۹۵۶ به دنبال داشت. فرانسه و انگلیس از اسرائیل در جنگ با مصر حمایت کردند. در خارج از جهان عرب جنبش های آزادی طلبانه ملی مساله اصلی در جنگ سرد به شمار می رفت.
بستن راه برلن غربی به شرقی که توسط کمونیست ها صورت گرفت جنگ سرد را به شدت دامن زد. نگرانی شدیدی در اروپا به وجود آمد. بسیاری از صاحب نظران فکر می کردند ممکن است جنگ سرد منبلا به جنگ گرم شود. کشورهای اروپای شرقی یکی پس از دیگری نظام کمونیستی را پذیرفتند. ولی در بسیاری از این کشورها مبارزه برای دموکراسی جان گرفت اما در همه این کشورها از جمله آلمان شرقی، لهستان، چک اسلواکی و مجارستان با مداخله ارتش شوروی، جنبش های دموکراسی برای مدتی از حرکت ایستاد. تاریخ جهان طی ۴۳ سال (۱۹۴۸-۱۹۹۱) در بیم و امید بود که سرانجام با فروپاشی شوروی جهان یک قطبی شد. امریکا پیروز این نبرد، قدر قدرت جهان شد و وضع تازه ای در جهان به وجود آمد. مداخلات امریکا در امور کشورهای جهان بحران تازه ای را سبب شد. به نحوی که امروز، برخی متاسف از فروپاشی شوروی هستند.

LE MONDE diplomatique

LA GUERRE FROIDE

1948-1991



پروژه کتابخانه اطلاعات فرانسوی
پرتال جامع آلمانی

کتابخانه

شماره ۱۷۸ - آبان ماه ۸۴

۱۴

در پیچه

همه چیز از کنفرانس YALTA در فوریه ۱۹۴۵ آغاز شد. اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحده، فاتحان بزرگ جنگ جهانی دوم، یکدیگر را به عدم رعایت قراردادهای امضا شده در خصوص مرزبندی، bord دریای سیاه متهم کردند. اتحاد جماهیر شوروی سابق و متحدانش، کشورهای اروپای شرقی (از جمله آلمان شرقی)، در پشت آنچه که بعد از آن "برده آهنین" نامیده شد، سنگر گرفتند. آمریکا برای آن که به وزنه تعادل تبدیل شود، از سال ۱۹۴۷ با نقشه مارشال Marshall وزیر خارجه آیزنهاور با تامین بودجه، روند بازسازی کشورهای اروپای غربی را شدت بخشید. در فوریه مسکو با ضربه پراگ (Compde Prague) موجب روی کار آمدن کمونیست ها در چکسلواکی و تحریم برلین (۱۹۴۸-۱۹۴۹) (بسته شدن راه برلن شرقی به آلمان غربی) شد و با این کار به این کار آمریکا پاسخ داد. مورخان بر این باورند وقوع این حوادث نقطه عطفی در آغاز "جنگ سرد"، اصطلاحی که در سال ۱۹۴۷ توسط Walter dipman روزنامه نگار آمریکایی ابداع شده، به شمار می رود. در چهارم آوریل ۱۹۴۹ واشنگتن تصمیم گرفت متحدان اروپایی خود از جمله فرانسه را در بطن ائتلافی نظامی و با نام سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) گرد آورد. بدین ترتیب جهان به دو بلوک متضاد تقسیم شد که مطبوعات محافظه کار آن را **جهان آزاد Monde Libre** در مقابل **تهدید سرخ menace rouge** نامیدند. شکاف ایدئولوژی حاصله (کاپیتالیسم/ کمونیست) به ویژه پس از پیروزی کمونیست ها به رهبری مائوتسه تونگ (Maozedong) در چین، در اول اکتبر ۱۹۴۹ و بسیج جهانی در جنگ کره (۱۹۵۳-۱۹۵۰) به سرعت در سراسر جهان گسترش یافت. جهان با جنگ های داخلی، جنگ های استعمارزدایی، مبارزه با امپریالیسم، شورش ها در مخالفت با شوروی و غیره، زیوررو شده بود. مبارزه و رقابت میان غرب و شرق به اوج خود رسیده و در زمینه های مختلف زندگی عادی گسترش یافت.

جاسوسی

در آن سال ها، جاسوسی و ماموران مخفی دو مقوله بسیار رایج بودند.

Federal Burean of investigation

دایره فدرال تجسس در سال ۱۹۲۸ در ایالات متحده آمریکا به وجود آمد و تحت سرپرستی J. E. Hoover محنوده فعالیت خود را در جاسوسی بررسی و نابودی کمونیست گسترش یافت. در ۱۹۴۷ و در ادامه این روند، آژانس مرکزی جاسوسی central Intellgence Agency "سرویس ضد جاسوسی" برای مبارزه با هر گونه فعالیت کمونیستی شکل گرفت.

از سوی دیگر در شرق پاک سازی های وحشیانه ای تحت اتهامات تی نیسم (titisme) (نوعی سوسیالیسم که توسط تیتو Tito در یوگسلاوی به اجرا در آمد.) (تروتسکیسم (trotskisme) (مکتب طرفداران تروتسکی) و یا "جهان میهنی cosmopoltism" در میان گردانندگان کمونیست ها صورت گرفت. در این سال ها برای اولین بار بشریت به نیرویی برای از بین بردن خود دست یافت. این قسمت، از وحشتناک ترین ابعاد در دوران جنگ سرد به شمار می رود. در مدارس آمریکا دانش آموزان تمرین می کردند. که با شنیدن صدای آژیر خطر، خود را زیر نیمکت شان پنهان کنند. در شوروی سابق برای دو سوم جمعیت آن پناهگاههای زیرزمینی ساخته شده بود. در سراسر جهان حتی کشورهای که دارای بمب اتمی بودند رعب و وحشت حاکم بود. پس از سال ۱۹۴۵ در آمریکا قانون Hartley Taft اتحادیه ها را مجبور ساخت تا قسم یاد کنند که هیچگونه عضویت و وابستگی به کمونیست ها ندارند. قانون Nixon-Mundt در ۱۹۴۸ در آمریکا کمونیست ها را وادار کرد تا در مقابل مقامات فدرال به وابستگی خود اعتراف کنند. کمیسیونی به سرپرستی جوزف مک کارتی مسوولیت ارزیابی گسترش کمونیست را به ویژه در هالیوود بر عهده گرفت. هر کسی که در آن شهرک سینمایی کمونیست و یا از طرفداران آن به شمار می رفت، مظنون شناخته می شد. "لیست سیاهی" از تهیه کنندگان، سناریونویس ها، کمیدین هایی که مشکوک به انجام فعالیت هایی علیه آمریکا بودند، تنظیم شد. بعضی از آنها به زندان افتادند و بعضی دیگر مانند چارلز چاپلین chplin

Charls جول دسن (Jules Dassim) و یا جوزف لوزی (Joseph Losey) تبعید شدند. استودیوهای فیلمسازی بزرگ هالیوود که معمولا توسط تبعیدیان اروپایی اداره می شد، برای آن که از این "وصله های ناجور" فاصله بگیرند و دوستی خود را با آمریکا ثابت کنند، به سرعت فیلم هایی

در باره مخالفت با کمونیست ساختند که از آن میان می توان به فیلم های زیر اشاره کرد:

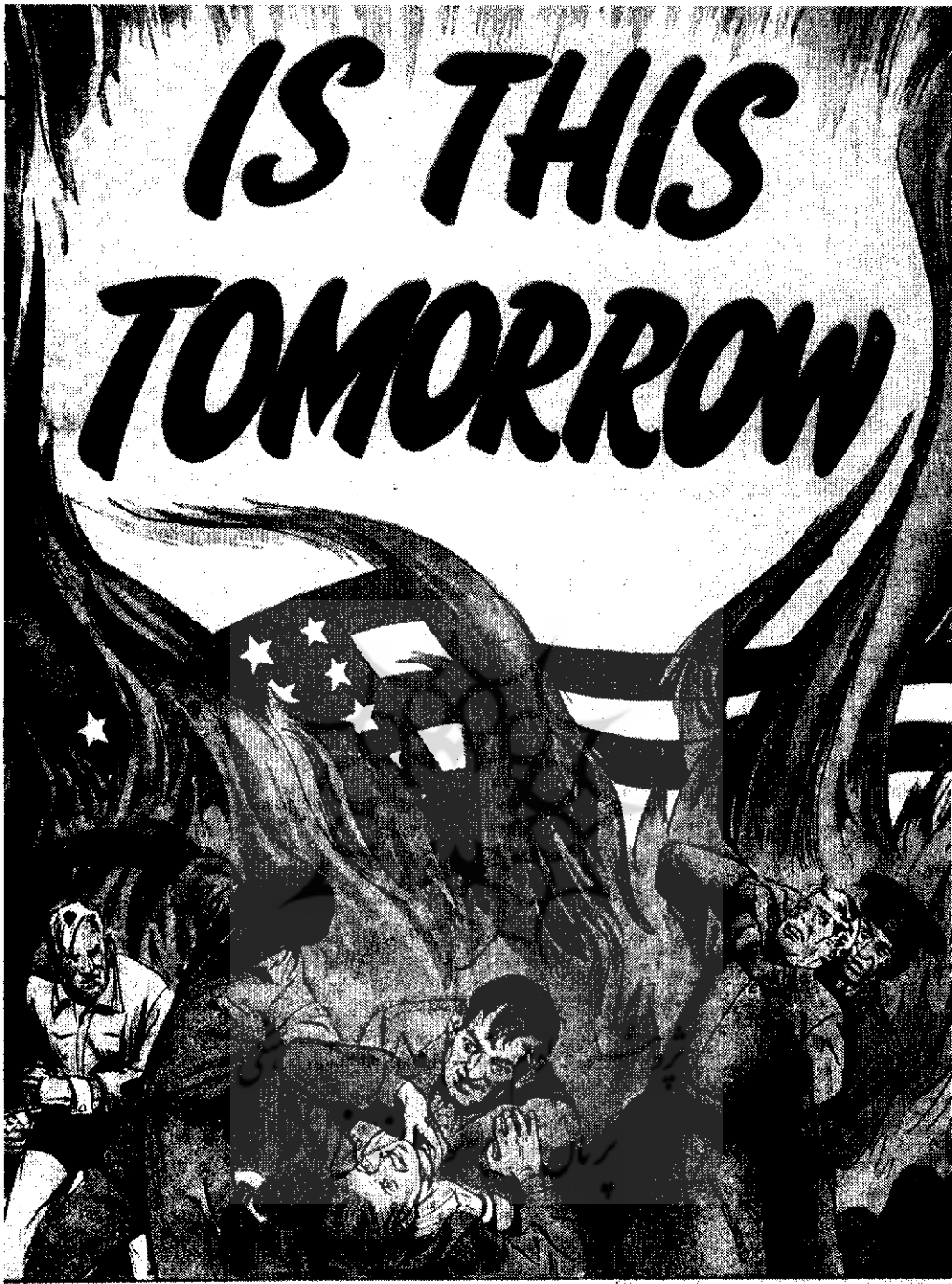
برده آهنی ۱۹۴۶ (The Iron curtain) از ویلیام ولمن William Wellman تهدید بزرگ در سال (Walk a crsoked mile) از ۱۹۴۸ Gordon Dauglas نخستین فیلم مبنی بر وجود کارخانه ای هسته ای که جاسوسان خارجی درصدد یافتن نقشه آنها بودند و یا ۱۹۴۸ فیلمی به نام Micheal Anderson در سال ۱۹۵۶ که بر گرفته از رمان مشهور Greargrorwell بود. سینما بیشتر از دیگر وسایل ارتباط جمعی توانست وحشت، ترس جمعی و بی اعتمادی موجود را منعکس سازد. خطر "تهدید سرخ" جامعه آمریکایی را فرا گرفته بود. بعضی از فیلم ها با این ایدئولوژی که در دشمن از خارج می آید از هم گسستگی خانواده هایی را نشان می داد که یکی از اعضای آن توسط کمونیست ها "فاسد" شده بودند. پس از مرگ استالین در مارس ۱۹۵۳ و تضعیف شوروی با مساعدت Khrouchtchev Nikita محکوم گردید. از شدت این جنگ روانی موجود کاسته شد.

بمب اتمی

اما مجددا بحران هایی در سراسر جهان شکل گرفته، مانند موشک های مستقر در کوبا در اکتبر ۱۹۶۲ که جهان را به سوی جنگ هسته ای هدایت کرد که Ston Ley Kubrick به شیوه خود در فیلم خارق العاده اش دکتر فلامور (۴۶۹۱) Doctor Folamour آن را منعکس ساخت. این کمدی کاپوس مانند، از این تفکر رییس جمهور جان اف کندی الهام گرفته شده بود. شانس انجام جنگ هسته ای که منحصر با فشار دگمه ای آغاز می شود، در صورت وجود یک اشتباه هزار بار بیشتر از جنگی است که با فرمان مسوولان برآه می افتد. خطرناک ترین مرحله جنگ سرد خاتمه یافته، و به مرحله جدیدی وارد شده. دهها جنگ و کشمکش (ویتنام، و آنگولا)، شورش های مردمی (بوداپست، پراگ)، کودتا (اندونزی و شیلی) به وقوع پیوسته و میلیون ها کشته بر جای گذاشته است. اما یک چیز قطعی است: دو ابر قدرت به طور مستقیم با هم درگیر نخواهند شد. دیگر نباید نگران ویرانی جهان شد. ظهور میخائیل گورباچف در سال ۱۹۸۵ و نابودی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ به این جنگ سرد طولانی پایان داد.

ادامه دارد

IS THIS TOMORROW



AMERICA UNDER COMMUNISM!

واشنگتن در همه دوران‌ها، ملت آمریکا را از حمله بیگانگان به آن کشور در ترس و دلهره و نگرانی نگهداشته است. با ترس، حمایت ملت را به دست آورده و هرگز حقیقت را به این ملت ساده‌اندیش نگفته است.

دیروز ترس از کمونیسم بود و امروز ترس از تروریسم (به تصویر نگاه کنید)

حیرت آور است که آقای بوش از سال ۲۰۰۰ فریاد می‌زند: ما برای آزادی و حقوق بشر نبرد می‌کنیم!! و می‌خواهیم آزادی؟! در همه جهان گسترش باید. زیر این عنوان بوش تاکنون صدها هزار نفر از مردم بی‌گناه افغانستان و عراق را کشته است. و عجیب‌تر هنوز هستند مردمانی در جهان که "بوش" را باور می‌کنند این مردمان وقتی بوش را درک می‌کنند که در جهنمی که او در جهان بر پا کرده است سقوط کنند.